

## عنوان مقاله:

تحلیل ریخت شناسانه داستان پادشاهی های در شاهنامه با تاکید بر عنصر پیشگویی

## محل انتشار:

هشتمین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی نگاهی تازه به متون حماسی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

یداله شکری - استادیار دانشگاه سمنان

میترا بختیاری فر - دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی

## خلاصه مقاله:

نقد ساختارگرا یکی از روش های نقد نوین است که نخستین بار رومن یاکوبسن در سال 1929 آن را وضع کرد. ولادیمیر پراپ فولکلور شناس روسی در تحلیل روایت ها از نقد ساختارگرا بهره برد و به بررسی آثار فولکلوریک بر اساس واحدهای کوچک و ارتباط واحدها با یکدیگر و با کل قصه پرداخت و کارش را ریخت شناسی نامید. او به این نتیجه رسیده بود که شخصیت های قصه متنوعاند ولی کارهایی که انجام می دهند از شمارمعینی تجاوز نمی کند. او با تجزیه و تحلیل یکصد قصه به سی و یک کارکرد دست یافت که این الگوی ساختاری با بسیاری از داستانهای جهان مطابقت دارد و مواقعی هم کارکردی متفاوت در داستانها دیده می شود. شاهنامه فردوسی از آثار حماسی زبان فارسی است که هم به لحاظ محتوا و هم ساختار داستانیپردازی بی نظیر است. در جای جای شاهنامه با توجه به کارکرد عناصر داستان، پیشگویی به عنوان یک کارکرد موثر در برخی داستان ها چون رستم و سهراب یا زال و رودابه مطرح شده است. در این مقاله عنصر پیشگویی به عنوان کارکردی موثر در داستان پادشاهی های بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که پیشگویی در این داستان از عناصر اصلی است که قابل حذف نمی باشد و می تواند به صورت یاریگر داستان قلمداد شود. همچنین این عنصر با توجه به حماسی بودن داستان های نشانه دخالت عناصر غیرطبیعی در داستان است. همچنین این عنصر مهم داستان های حماسی در الگوی پراپ وجود ندارد.

## کلمات کلیدی:

پیشگویی، ریخت شناسی، پراپ، پادشاهی های، شاهنامه فردوسی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/978294>

